تحریم و چالش سرمایه‌گذاری:
اشاره‌های سیاست‌گذاری



منصور عسگری
هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

امروزه توسعه و رشد اقتصادی، دغدغه همه کشورها بوده و تمام کشورها به‌دنبال راهی هستند که بتوانند به رشد اقتصادی دست یابند. از سویی دیگر، با توجه به محدودیت منابع و رقابت برای بدست آوردن منابع محدود، هر روز سخت‌تر می‌گردد. تقریباً در طول تاریخ علم اقتصاد، سرمایه‌گذاری به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی جایگاه ویژه‌ای داشته که شناسائی عوامل موثر بر آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، بخش‌های صنعت، معدن و تجارت جزء بخش‌های کلیدی به شمار می‌رود که سرمایه‌گذاری در آن‌ها نقشی حیاتی در اقتصاد و رشد اقتصادی دارد که وابستگی عمیق صنایع گوناگون به سرمایه‌گذاری، ترکیب و اجزای آن در بخش‌های مذکور از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نتایج برآورد تابع سرمایه‌گذاری بخش صنعت نشان می‌دهد؛ ارزش افزوده بخش صنعت، درآمد نفت در دوره قبل، نرخ بهره (سود تسهیلات در بخش صنعت)، مانده تسهیلات اعتباری بخش صنعت، عرضه واقعی پول و تحریم، بر سرمایه‌گذاری در بخش صنعت موثر هستند. هم‌چنین متغیرهای ارزش افزوده بخش معدن، درآمد نفت در دوره قبل، نرخ بهره (سود تسهیلات در بخش معدن)، مانده تسهیلات اعتباری بخش معدن، عرضه واقعی پول و تحریم بر سرمایه‌گذاری در بخش معدن موثر هستند و متغیرهای ارزش افزوده بخش تجارت (درآمد بخش)، درآمد نفت دوره قبل، نرخ بهره (سود تسهیلات در بخش تجارت)، مانده تسهیلات اعتباری بخش تجارت، عرضه واقعی پول و تحریم بر سرمایه‌گذاری در بخش تجارت ایران موثر هستند. جهت افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت، معدن و تجارت راهکارهای؛ تحریک تقاضای سرمایه‌گذاری از طریق کاهش نرخ سود تسهیلات، کنترل نوسانات نرخ ارز و هجینگ ارزی، برنامه‌ریزی برای توسعه سرمایه‌گذاری رقابت‌پذیر، تدوین برنامه‌های منسجم در راستای مشارکت عمومی-دولتی، واگذاری طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، راه‌اندازی صندوق پروژه ارزی برای طرح‌های با رقابت‌پذیری بالا، تبدیل تجارت به سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های عمرانی و خریدهای دولت توصیه می‌گردد.

با توجه به عواملی نظیر بالا بودن هزینه، طولانی بودن مدت بازگشت سرمایه، بنیه ضعیف مالی و عدم حمایت قوانین و مقررات از بخش خصوصی، تکلیف ایجاد زیرساخت‌ها در کشورها عموما بر عهده بخش عمومی یا همان دولت و سازمان‌های دولتی و عمومی بوده است. از طرفی بخش دولتی نیز بدون کمک بخش خصوصی نمی‌تواند به ایجاد بهینه و مناسب تاسیسات زیربنایی و زیرساخت‌ها بپردازد، بنابراین بهترین حالت برای ایجاد بهینه زیرساخت‌ها و تاسیسات زیربنایی، استفاده از تمام تخصص‌ها در



بخش‌های عمومی و خصوصی، استفاده از حمایت‌های قانونی بخش عمومی و از همه مهم‌تر منابع مشارکت عمومی مالی در هر دو بخش است.

از سوی دیگر عوامل مخل سرمایه‌گذاری را می‌توان در موارد و «تحریم»، «دامپینگ»، «قاچاق»، «دولتی بودن اقتصاد»، «ضعف سیاست تجاری»، «ضعف سیاست ارزی» و «ضعف سیاست مالی» دانست. پنج عامل که از درون بخش تولید و اقتصاد به سرمایه‌گذاران خط می‌دهند، شامل نرخ بهره، نرخ تورم، مالکیت، تسهیلات و نیز نرخ سود مورد انتظار هستند که جمیع این موارد همه در شرایطی بر میزان سرمایه‌گذاری اثر منفی گذاشته‌اند. مهم‌ترین راههایی که دولت می‌تواند از طریق آنها به تحریک سرمایه‌گذاری بپردازد، شامل؛ کاهش نرخ سود تسهیلات، کنترل نوسانات نرخ ارز، هجینگ ارزی، برنامه‌ریزی برای توسعه سرمایه‌گذاری رقابت‌پذیر، تدوین برنامه‌های منسجم در راستای مشارکت عمومی-دولتی، واگذاری طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام، راه‌اندازی صندوق پروژه ارزی برای طرح‌های با رقابت‌پذیری بالا، تبدیل تجارت به سرمایه‌گذاری و نیز افزایش هزینه‌های عمرانی و خریدهای دولتی خلاصه نمود.

تاثیرات تحریم در حوزه‌های مالی عمدتاً از طریق ایجاد محدودیت‌های تجاری در زمینه فعالیت‌های بانکی و بیمه‌ای و عدم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز به صنایع کشور سرایت می‌کند. این عوامل باعث افزایش هزینه‌های تأمین منابع کوتاه‌مدت و بلندمدت ارزی، افزایش قیمت تمام شده محصولات داخلی وابسته به ارز و طرح‌های سرمایه‌گذاری صنعتی در حال اجرا و در بدترین حالت توقف سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های وابسته به ارز خواهد شد. مهمترین اثر تحریم بر بخش‌های صنعت، معدن و تجارت ایران از طریق ایجاد محدودیت در فعالیت بانکی در سال‌های اخیر بیشتر در قالب عدم مشارکت بانک‌های خارجی در گشایش اعتبارات اسنادی (LC) بانکی بوده است که این امر در عملکرد نسبتاً ضعیف صنایع کشور طی سال‌های اخیر در جذب اعتبارات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی، کاملاً قابل لمس است. از طرف دیگر در سال‌های اخیر بیشتر LCهای بانکی مورد نیاز صنایع کشور بصورت دست دوم صورت گرفته است که این خود به افزایش قیمت خریدهای ارزی و در نهایت افزایش قیمت تمام شده و کاهش سودآوری فعالیت‌ها در بخش‌های مذکور دامن زده‌است. هم‌چنین به دنبال کاهش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز کشور، عمده صنایع کشور تحت تاثیرات منفی تحریم قرار گرفته‌اند. بخش نفت و گاز و پروژه‌های آن به دلیل دارا بودن کثرت پیوندهای پیشین و پسین با دیگر بخش‌های اقتصاد بخصوص صنایع متوسط و بزرگ کشور، خودبخود آثار منفی و تحمیلی تحریم را به صنایع کشور از قبیل شرکت‌های پیمانکاری و تولید کنندگان تجهیزات و محصولات صنعتی منتقل کرده‌است که بازتاب اصلی آن، قرار گرفتن تولید صنایع مرتبط و وابسته در سطحی کمتر از ظرفیت و در نهایت نیمه فعال شدن برخی از صنایع موجود و وجود ظرفیت‌های خالی صنعتی در کشور است.

منبع

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۴۰۰)، «تجزیه و تحلیل چالش‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت، معدن و تجارت و راهکارهای رفع آن»، منصور عسگری، گروه پژوهش‌های مدل‌سازی و مطالعات منطقه‌ای